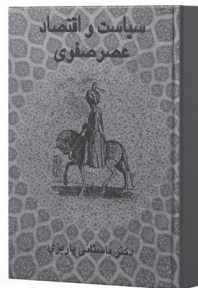


معرفی و ارزیابی کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی^۱

گودرز رشتیانی^۲



۱. کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی، نوشته محمد باستانی پاریزی، در سال ۱۳۴۸ از سوی انتشارات صفی علیشاه به چاپ رسید. به مقاله حاضر به مناسبت برگزاری نوزدهمین نشست از سلسله نشست‌های صد کتاب ماندگار قرن تهیه شده است. در این نشست که در ۱۸ شهریور ۱۴۰۳ با دبیری دکتر قربانعلی کنارودی برگزار شد، دکتر سید سعید میرمحمدصادق و فرهاد طاهری به بررسی کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی اثر ماندگار محمد باستانی پاریزی، پرداختند. ۲. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران.

10.30484/JII.2025.3293 | rashtiani56@gmail.com

• استناد: رشتیانی، گودرز (۱۴۰۴). معرفی و ارزیابی کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی. مجله مطالعات ایرانی - اسلامی. (۱) ۱۵ - ص ۲۸ - ۳۳.

دگرگونی در حوزه تاریخ‌نگاری، به تدریج سبب پیدایش نسل نوینی از تاریخ‌نگاران (به بیان دقیق‌تر تاریخ‌پژوهان) شد که ضمن آشنایی و بهره‌گیری از سنت‌های تاریخ‌نویسی کهن ایرانی، از روش‌های علمی جدید، برای پژوهش در تاریخ بهره بردند و آثاری پدید آوردند که برخی از آنها امروزه نیز برای اهل علم، متونی مرجع، سودمند و کارگشا محسوب می‌شوند.

در یک سده گذشته، جامعه ایران پیوسته با دگرگونی‌های گسترده‌ای روبه‌رو بوده است که پیامد آنها پیدایش ساختارها و الگوهای نوینی در ساحت‌های گوناگون جامعه ایرانی بود. تاریخ‌نگاری، به عنوان مجموعه فعالیت‌های مورخان حرفه‌ای نیز از این قافله عقب نماند و به نوبه خود دستخوش تغییرات بنیادینی شد که در عمل، پیش از آن سابقه نداشت. دگرگونی فعالیت مورخان از الگوها و اسلوب‌های تاریخ‌نگاری سنتی ایرانی به چهارچوب‌هایی که می‌توان آنها را تاریخ‌پژوهی نوین خواند، چه بسا مهم‌ترین جلوه تغییر در تاریخ‌نگاری ایرانی در یک سده اخیر بوده است. البته برخی علل و نمودهای این تغییر، پیش از این زمان نیز آغاز شده بودند و چهره‌هایی چون جلال الدین میرزای قاجار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا ملکم خان، محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، میرزا آقاخان کرمانی و ناظم الاسلام کرمانی از پیشگامان تحول در تاریخ‌نگاری ایرانی در دوره قاجار بودند.

دگرگونی در حوزه تاریخ‌نگاری، به تدریج سبب پیدایش نسل نوینی از تاریخ‌نگاران (به بیان دقیق‌تر تاریخ‌پژوهان) شد که ضمن آشنایی و بهره‌گیری از سنت‌های تاریخ‌نویسی کهن ایرانی، از روش‌های علمی جدید، برای پژوهش در تاریخ بهره بردند و آثاری پدید آوردند که برخی از آنها امروزه نیز برای اهل علم، متونی مرجع، سودمند و کارگشا محسوب می‌شوند. فضایی چون محمد قزوینی، حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، عباس اقبال آشتیانی، احمد کسروی، نصرالله فلسفی و غلامرضا رشید یاسمی از نخستین چهره‌ها در این زمینه بودند که آثارشان، به رغم دیرینگی و گاه عدم انقطاع کامل از اسلوب‌های تاریخ‌نگاری سنتی، اولین نمونه‌های تاریخ‌پژوهی جدید ایرانی به شمار می‌آید.

باستانی پاریزی در تاریخ نویسی سلایق، دغدغه‌ها و اسلوب‌های خاصی داشت که ازجمله آنها می‌توان به ایران دوستی، علاقه خاص به زادگاهش کرمان و بهره‌گیری گسترده از ادبیات در نگارش اشاره کرد. از سوی دیگر، نثر سلیس، صمیمانه و مردم‌مداری او سبب توجه شمار فراوانی از ایرانیان به آثارش شد، چنان‌که دایره مخاطبان خاص خود را داشت که با رغبت فراوان نوشتارهای وی را مطالعه می‌کردند.

زنده‌یاد استاد محمدابراهیم باستانی پاریزی (۱۳۰۴ - ۱۳۹۳ ش) از دومین نسل تاریخ‌پژوهان ایرانی بود که آثار تاریخی فراوانی را تألیف، تصحیح و ترجمه کرد. باستانی پاریزی در تاریخ نویسی سلایق، دغدغه‌ها و اسلوب‌های خاصی داشت که ازجمله آنها می‌توان به ایران دوستی، علاقه خاص به زادگاهش کرمان و بهره‌گیری گسترده از ادبیات در نگارش اشاره کرد. از سوی دیگر، نثر سلیس، صمیمانه و مردم‌مداری او سبب توجه شمار فراوانی از ایرانیان به آثارش شد، چنان‌که دایره مخاطبان خاص خود را داشت که با رغبت فراوان نوشتارهای وی را مطالعه می‌کردند.

ارزیابی موشکافانه تمامی آثار باستانی پاریزی و تحلیل اسلوب‌های تاریخ‌پژوهی وی، بحثی گسترده و خارج از حوصله تنگ این نوشتار می‌باشد، از این رو، در گفتار کوتاه پیش رو، تنها به بررسی یکی از آثار سودمند، اما کمتر شناخته شده وی به نام سیاست و اقتصاد عصر صفوی پرداخته ایم و کوشش خواهیم کرد تا جایگاه این نوشتار را در میان سایر متون حوزه صفویه پژوهی بازشناسیم.

نگارش کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی، داستان شگرفی دارد که خوب است نخست بدان اشاره شود. باستانی پاریزی در پیش درآمد این اثر، آشکارا خاطرنشان می‌سازد که این نوشتار در وهله نخست، متن سخنرانی وی در پنجم شهریور ۱۳۴۵ در باب «اقتصادیات امپراتوری صفویه» در شهر اصفهان است که به دعوت «انجمن ایران و آمریکا» برگزار شده بود. پس از نشست، باستانی پاریزی، محتوای اصلی سخنرانی را با اضافات و توضیحاتی با عنوان «جزر و مد سیاست و اقتصاد در امپراتوری صفویه» طی چند شماره در مجله یغما چاپ کرد و مدتی بعد، انتشارات صفی‌علیشاه، همین نوشتار را با افزوده‌های دیگری، به صورت کتابی با عنوان سیاست و اقتصاد عصر صفوی منتشر نمود^۱. شاید همین چاپ‌های مکرر سبب شده بود تا پرتلس، خاورشناس نامی روس، به طنز، باستانی پاریزی را متهم به «فضل فروشی» کند؛ نکته‌ای که باستانی پاریزی نیز صادقانه بر آن اذعان کرده

و آن را در شمار حساب‌های «سیاست و اقتصاد» قرار داده است.^۱ بااین حال، کتاب مورد بحث، لزوماً انتشار بی‌کم‌وکاست سخنرانی اولیه یا مجموعه نوشتارهای بعدی مؤلف در مجله یغما نیست و موافقِ عادت باستانی پاریزی، در این متن، اضافات فراوانی، نسبت به مقالات مجله یغما دیده می‌شود که به نوبه خود بسیار سودمند است.

هدف باستانی پاریزی از تألیف این نوشتار، بیان تأثیر عوامل اقتصادی، مالی و مادی در پایه‌گذاری حکومت صفویه و همچنین افول و اضمحلال آن است. به گمان وی، در بررسی تاریخ حکومت صفوی، به‌طور اخص، و تاریخ همگی سلسله‌های ایران و جهان، به‌طور اعم، ناگزیر بایستی به نقش مؤلفه‌های اقتصادی توجه نمود. همچنین نباید برآمدن و سقوط حکومتی را تنها ناشی از علل سیاسی و نظامی ـ آن‌گونه که در بیشتر متون تاریخی کهن بیان می‌شود ـ دانست.^۲ البته نویسنده بر این واقعیت معترف است که بسیاری از منابع اصیل جهت اطلاع از شرایط اقتصادی ایرانِ عهد صفوی، به‌مرور زمان از میان رفته‌اند و آنچه بر جای مانده است، نمی‌تواند سیمای جامع شرایط اقتصادی سراسر ایران در عمر طولانی این حکومت (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) را ارائه دهد. به سبب کمبود منابع مرتبط با تاریخ اقتصادی ایران صفوی، مورخِ منصف باید نهایت احتیاط را به خرج دهد و به‌ویژه از تعمیم‌های ناروایی که ممکن است به استنتاج‌های نادرست بینجامد، دوری گزیند.

باستانی پاریزی، پس از ذکر این مقدمات، وارد تنه اصلی نوشتار می‌شود و روی هم‌رفته، تصویری که از شرایط اقتصادی ایران عهد صفوی ارائه می‌دهد، تا اندازه‌ای، یادآور دیدگاه‌های اندیشمندانی چون ابن خلدون (د. ۸۰۸ ق) درباره برآمدن و افول حکومت‌هاست. البته نویسنده منکر اهمیت اقتصاد و بهره‌گیری از امکانات اقتصادی از سوی اعضای یک جامعه نیست و از مقدمه زنده‌یاد محمدعلی جمال‌زاده (د. ۱۳۷۶ ش) بر این اثر نیز می‌توان به این نکته پی برد. بااین حال، دیدگاه کلی باستانی پاریزی در ارزیابی اقتصاد عصر صفوی، ناظر بر این قاعده است که فروپاشی حکومتِ دیرپای صفوی، آن هم به دست هم‌اورد نه‌چندان قوی پنجه‌ای چون محمود غلزایی، پیامد توجه افراطی سردمداران این حکومت به مواهب اقتصادی و غفلت آنان از بحران‌های حادثی بود که به تدریج دامن‌گیر این سلسله شد.

باستانی پاریزی، کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی را به یک مقدمه و شانزده فصل تقسیم کرده است.

سه فصل نخست این اثر دربردارنده گفتارهای کوتاهی درباره روند شکل‌گیری طریقت صفوی، تبدیل این طریقت به حرکتی سیاسی، برآمدن شاه اسماعیل یکم (حک: ۹۰۷-۹۳۰ ق) و تشکیل رسمی حکومت صفوی و تحولات این سلسله از زمان شاه اسماعیل یکم تا شاه عباس یکم (حک: ۹۹۵/۹۹۶-۱۰۳۸ ق) است. نویسنده طی این فصول، سوای پرداختن

۲. صفحه ششم.
۱. ص ۱-۲.

به رویدادهای کلان حکومت صفوی، از وقایع جزئی و خاصی چون خیزش نقطویان نیز غافل نیست و همین نکته نشانگر تعمق وی در متون تاریخی آن دوره است.

از فصل چهارم به بعد، نویسنده به تدریج وارد گفتارهای اصلی نوشتار شده است و دربارهٔ مسائلی چون: زمین‌داری، کشاورزی، تجارت، نظام مالیاتی، منابع درآمدی حکومت صفوی، وضعیت مسکوکات، تجارت پُرسود ابریشم، راه‌های تجاری و ساخت کاروان‌سراها، ذخایر طلا و نقرهٔ ایران، بازرگانی داخلی و خارجی و مسائلی از این قبیل سخن می‌گوید و تلاش دارد ذهن مخاطب را با تکاپوهای اقتصادی ایرانیان و بنیادهای اقتصاد ایران روزگار صفوی آشنا سازد.

از فصل نهم به بعد، نویسنده آشکارا دیدگاه خاص خود را دربارهٔ اوضاع اقتصادی ایران عهد صفوی ارائه می‌دهد و با بیان این نکته که تجمل و تجمل‌گرایی، به مرور، به «آشیانهٔ فساد» سلسلهٔ صفوی تبدیل شد، به توصیف برخی معضلات اجتماعی رایج نزد ایرانیان آن روزگار از جمله مسئلهٔ رشوه می‌پردازد. به گمان باستانی پاریزی، ثروت و غنایمی که در نتیجهٔ فتوحات و جهان‌گشایی‌های نخستین سال‌های فرمانروایی صفویان حاصل شده بود، به اصفهان و سایر شهرهای ایران سرازیر شد؛ اما این ثروت‌ها به جای اینکه در مسیر رفاه عموم مردم هزینه شوند، صرف حقوق‌ها، مقرری‌ها و مستمری‌ها شدند. فرایند این جریان، ظهور جماعتی از رجال و لشکریان بود که صاحب ثروت‌های کلانی بودند و تجمل و تعیش را بر دلیری و پهلوانی ترجیح می‌دادند.^۱ البته این دیدگاه، چه بسا مورد پذیرش بسیاری از تاریخ‌پژوهان امروزی نباشد، اما نشانگر نگاه خاص باستانی پاریزی به شکل‌گیری ریشه‌های بحران در ایران عهد صفوی است. از سوی دیگر، وی از بحران‌ها و چالش‌های پیش‌روی حکومت صفوی، در واپسین دهه‌های عمر این سلسله غافل نیست و به‌طور خاص، به مسائلی چون موقعیت اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران آن دوره، آشوب‌های قندهار و قدرت‌گیری خاندان میر ویس در این شهر می‌پردازد. از نظر باستانی پاریزی، سقوط حکومت صفوی، رویدادی آنی و ناگهانی نبود که به یکبارگی رخ داده باشد و بی‌هیچ پیشینه‌ای، دودمان دیرپایی چون صفویان را در محاق قرار دهد، بلکه به گمان وی، مقدمات این سقوط از زمان شاه‌عباس دوم (حک: ۱۰۵۲ - ۱۰۷۷ ق) آغاز شده بود و هرچند اقدامات وزیری چون شیخ علی‌خان زنگنه و اساس قویمی که شاه‌عباس یکم آن را بنیاد نهاد بود، از فروپاشی فوری این حکومت پیش‌گیری کرد. اما با جلوس شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷ - ۱۱۰۵ ق) و سپس شاه سلطان حسین (حک: ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ ق) این میراث دستخوش تباهی شد و سرانجام اصفهان، تختگاه باشکوه ایران، پس از محاصره‌ای طولانی و ناگوار به دست شورشیان غلزیایی افتاد و در عمل اقتدار خاندان صفوی به فرجام

۱. ص ۲۲۶.
۲. ص ۲۸۲. رسید.

هدف باستانی پاریزی از تألیف این نوشتار، بیان تأثیر عوامل اقتصادی، مالی و مادی در پایه‌گذاری حکومت صفویه و همچنین افول و اضمحلال آن است. به گمان وی، در بررسی تاریخ حکومت صفوی، به‌طور اخص، و تاریخ همگی سلسله‌های ایران و جهان، به‌طور اعم، ناگزیر بایستی به نقش مؤلفه‌های اقتصادی توجه نشان داد.

واپسین فصول کتاب، به گفتارهایی دربارهٔ روند فروپاشی سلسلهٔ صفوی، نقش عوامل اقتصادی در این راستا، شورش قندهار و برآمدن میر ویس و فرزندش محمود، همکاری برخی اهالی ایالاتی چون کرمان یا شماری از اعضای اقلیت‌های دینی و مذهبی با شورشیان غلزاری و وقایع پس از سقوط اصفهان و قدرت‌گیری نادرقلی افشار (نادرشاه بعدی. حک: ۱۱۴۸ - ۱۱۶۰ ق) می‌پردازد. ناگفته نماند که نویسنده، در جای جای این نوشتار، بنا به اقتضای موضوع و علاقهٔ شخصی، به وقایع زادگاهش یعنی کرمان، توجه ویژه‌ای نشان داده و اساساً کوشیده است تا نشان دهد که مردمان این پاره از ایران، چه کنش و واکنشی نسبت به رویدادهای کلان ایران نشان داده‌اند و در رفتارهای ایشان چه منطق و عقلانیتی نهفته بوده است.

کتاب سیاست و اقتصاد عصر صفوی باستانی پاریزی از آثار قدیمی، اما خواندنی حوزهٔ صفویه‌شناسی به شمار می‌آید. باینکه سال‌ها از زمان انتشار این اثر سپری شده است و برخی اظهارنظرهای نویسنده، منتقدانی جدی نزد پژوهشگران فعلی دارد. اما همچنان می‌توان این نوشتار را کتابی سودمند و کارگشا در فهم تاریخ صفویه قلمداد کرد. اهمیت بنیادین این اثر، دیدگاه خاصی است که نویسنده برای ارزیابی شرایط اقتصادی ایران آن روزگار اتخاذ کرده است. این دیدگاه که بی‌شبهت به آرای اندیشمندانی چون ابن خلدون نیست، به گمان نگارنده، مهم‌ترین کانون ثقل و وجه نظری این نوشتار به شمار می‌آید و سبب تمایز آن از آثار نویسندگانی می‌شود که تنها از منظر توصیفی صرف به تاریخ عهد صفوی نگریسته‌اند.

سوای وجه نظری نوشتار، زبان ساده و بیان شیرین و خودمانی باستانی پاریزی در این اثر و اشارات مکرر وی به وقایع کرمان و حتی جهان، جنبهٔ دیگری است که این کتاب را به متنی خواندنی و ماندنی مبدل کرده است.